



## *Exploring for Identification of Career Literacy Teaching Methods to High School Students: a Qualitative Study*

**Farhad Seraji <sup>\*</sup>,<sup>1</sup>, Ali Korsand Asil <sup>2</sup>**

<sup>1</sup> Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran

<sup>2</sup> Master of Curriculum Planning, Department of Educational Sciences, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran

Corresponding author: [fseraji@gmail.com](mailto:fseraji@gmail.com)

Received:  
2021/05/10

Accepted:  
2021/10/18

Published:  
2021/10/18

### Abstract

**Background and Objectives:** This study conducted to get the junior high school student of Hamedan familiar whit the different Jobs.

**Methods:** this is a qualitative study in which interview has been done on 98 participants taken part in the study chosen whit snowball sampling strategy. Among 98 participants of the study were parents, teachers, students, consultants, managers, and media. Semi structured interview was used and to manipulate the results, the content analysis was conducted.

**Findings:** The results of the study showed that the students can become familiar whit the different jobs through 18 main them and 39 secondary themes.

**Conclusion:** The main themes according to the consultant's viewpoint were: making the jobs lists, having meetings and interactions about jobs, and the use of psychometry and job talent tests. The main themes according to the teachers viewpoints were: getting the students familiar whit the jobs while teaching, and after teaching in personal gatherings. The main themes according to the parents viewpoints were: getting the students familiar whit the jobs through getting around and vacations, and talking about the parents experiences about the jobs whit the students. The schools managers can get the familiar whit the jobs through occupational seminars, occupational shows, occupational week, national talent programme and through the schools structure and facilities. Media could help the students through TV programs, having a special job page in the newspapers, social networks, making weblogs and having job news through social media. Students could get themselves and their friends familiar whit the different Jobs through self studies.

**KEYWORDS:** Career literacy, Junior High School, Employment, Teaching Methods

## مقاله پژوهشی

## کاوشی برای شناسایی شیوه‌های آموزش سواد شغلی به دانش‌آموزان

## دوره اول متوسطه: مطالعه کیفی

فرهاد سراجی<sup>۱\*</sup>، علی خرسند اصیل<sup>۲</sup><sup>۱</sup> \*استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.<sup>۲</sup> کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

\*نویسنده مسئول: fseraji@gmail.com

دریافت:	پذیرش:	انتشار:
۱۴۰۰/۰۲/۲۰	۱۴۰۰/۰۷/۲۶	۱۴۰۰/۰۷/۲۶

Doi:10.22034/cjpp.2021.13712

## چکیده

**پیشینه و اهداف:** یکی از اهداف مهم دوره متوسطه کمک به اشتغال‌پذیری دانش‌آموزان است. دانش‌آموزان اگر با انواع شغل‌ها آشنا شوند و درک و مناسبی از توانایی‌های خود داشته باشند، بهتر می‌توانند موقعیت‌های شغلی پیش رو را تحلیل و به انتخاب صحیح دست بزنند.

**روش‌ها:** در این راستا آشنایی دانش‌آموزان با انواع مشاغل، درک ویژگی‌های خود و تامل درباره آن اهمیت ویژه‌ای دارد، لیکن این مساله یک پدیده پیچیده و چندبعدی است که پژوهش حاضر درصدد بود با استفاده از رویکرد کیفی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۹۸ نفر از مدیران، دبیران، مشاوران مدارس، اولیاء و دانش‌آموزان شیوه‌های آشناسازی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول با انواع مشاغل و مفهوم شغل را شناسایی کند. بخشی از مشارکت‌کنندگان با استفاده از نمونه‌گیری گلوله برفی خطی شامل ۱۵ مشاور مدرسه، ۲۵ دبیر و ۱۶ و بخشی دیگر شامل ۲۰ نفر از والدین و ۲۲ نفر از دانش‌آموزان از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

**یافته‌ها:** با استفاده از شیوه تحلیل مضمون ۲۹۷ کد اولیه، ۴۴ مضمون فرعی و ۱۴ مضمون اصلی به دست آمد.

**نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد برای آموزش مفاهیم شغلی به دانش‌آموزان دوره متوسطه می‌توان از شیوه‌های متنوعی مانند ترغیب مطالعات خودرهیاب فردی، مثال‌های شغلی حین تدریس، تکالیف انتقالی بعد از تدریس، جلب مشارکت انجمن اولیاء، استفاده از تجارب شغلی والدین، اجرای بازدید از مراکز شغلی، برگزاری گردهمایی‌های شغلی در مدرسه، راه‌اندازی رسانه‌هایی برای معرفی مشاغل، تهیه و انتشار فهرست مشاغل، راه‌اندازی نمایشگاه‌های شغلی، اجرای طرح ایران مهارت، اجرای آزمون‌های استعدادیابی شغلی می‌توان در سطوح میکرو، مزو و ماکرو استفاده کرد.

**کلمات کلیدی:** سواد شغلی، دوره اول متوسطه، اشتغال، شیوه‌های آموزش.

## مقدمه

در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، دوره آموزش متوسطه منبع اصلی تربیت نیروی انسانی ماهر به‌شمار می‌رود و هدایت صحیح دانش‌آموزان به شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی و آماده ساختن آن‌ها برای ورود به بازار کار با توجه به استعداد و رغبتشان یکی از اهداف مهم نظام آموزشی در دوره متوسطه است (کرم‌دوست، زندوانیان و ابوالقاسمی، ۱۳۸۵). دانش‌آموزان دوره متوسطه با انتخاب رشته در واقع گام بلندی برای انتخاب شغل برمی‌دارند. از آنجا که در پایان این دوره حساس، دانش‌آموزان با توجه به آموخته‌های خود باید بتوانند وارد بازار کار شوند و زندگی مستقلی را آغاز کنند؛ بنابراین اطلاعات شغلی ارائه شده در دوره متوسطه باید بتواند جوانان را برای درک و پذیرش مسئولیت‌های شغلی آماده کند. مخصوصاً این اطلاعات شغلی و آموزش‌ها باید طوری ارائه شوند تا آن دسته از جوانان را که به هر دلیلی قادر به ادامه تحصیلات دانشگاهی نمی‌شوند، آماده اشتغال و جذب بازار کار کنند (کریمی، ۱۳۹۵؛ کاشف پاکدل و پرسی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷) یا اینکه آنها را به سمت رشته‌هایی هدایت کند که توان، استعداد و علاقه به شغل‌های آن عرصه را داشته باشند. بی‌علاقگی به شغل یکی از معضلات اصلی شاغلین است که بخش زیادی از آن به انتخاب‌آگاهانه و عدم درک صحیح از علاقه و توانمندی خود فرد ناشی می‌شود (سوون و یئون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲).

مدارس ابتدایی و متوسطه وظیفه دارند مفاهیم شغلی مانند درآمد، خلق ثروت، شغل پایدار، خوداشتغالی، کارآفرینی و انواع شغل‌ها را به شکل‌های مختلف به دانش‌آموزان در سطوح مختلف آموزش دهند (ترانگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). در کنار ارائه این اطلاعات، مدارس باید فرصت‌های متنوعی را برای دانش‌آموزان تدارک ببینند تا آنها با ضعف و قوت‌ها، قابلیت‌ها و محدودیت‌های خود را بشناسند و متناسب با شناخت‌شان از خود، موقعیت‌ها را تحلیل و دست به انتخاب منطقی بزنند (علی، پانگ، بوتن و مک‌کوی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲)؛ بنابراین سواد شغلی عبارتست از آشنایی با انواع مشاغل، شناخت و درک خود و داشتن قدرت انتخاب منطقی از بین آنها (ههم<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲) با وجود آنکه آموزش سواد شغلی در اغلب کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد؛ ولی شیوه‌های آموزش آن متفاوت است. بعضی از کشورها در قالب تک درس با عنوان کاردستی، برخی از کشورها در قالب دروس ریاضی، علوم، مهندسی و فناوری و در سال‌های اخیر در بعضی از کشورها در قالب هنر نیز به عنوان یکی از دروس ضروری برای آموزش سواد شغلی در نظر گرفته شده است. (ودل، برنز، گامن و روز<sup>۶</sup>، ۲۰۱۶) در کره جنوبی مدارس علاوه بر برنامه‌درسی رسمی از ظرفیت‌های اجتماع، سازمان‌ها، خانواده‌ها، معلمان و والدین برای آموزش سواد شغلی به دانش‌آموزان بهره می‌گیرند (تینگ، لئونگ، استورات، اسمیت، رابرتس و دیز<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲).

1. Kashefpakdel & Percy

2. Sun & Yuen

3. Truong

4. Ali, Yang, Button & McCoy

5. Hahm

6. Welde, Bernes, Gunn & Ross

7. Ting, Leung, Stewart, Smith, Roberts & Dees

در ایران آموزش سواد شغلی عمدتاً بر عهده مشاوران مدارس گذاشته می‌شود. مشاوران تحصیلی سعی می‌کنند با شناسایی استعدادها، رغبت‌ها و انگیزه‌های دانش‌آموزان، به آنها در شناخت توانمندی‌ها و محدودیت‌های خود، معرفی انواع شغل‌ها و ارائه اطلاعات شغلی کمک کنند (به‌پژوه، ۱۳۸۴، ص ۸۳). مشاوره شغلی و تحصیلی در دوره متوسطه به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با شناخت توانایی‌ها و محدودیت‌های خود و شناخت مشاغل مختلف بتوانند، رشته تحصیلی و شغل مناسبی را انتخاب کنند (صافی، ۱۳۸۹). سرلک، شاهسواری، میرکوهی و رحمانی (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان می‌دهند که مشاوره تحصیلی با کمک به دانش‌آموزان برای درک رغبت‌ها، استعدادها، انگیزه‌ها و محدودیت‌های خود و معرفی انواع مشاغل به آنها می‌تواند نقش مهمی در انتخاب رشته و شغل داشته باشد. در پژوهش‌های دیگر مانند رضایی‌پور (۱۳۹۴) و شفیق‌آبادی (۱۳۹۲) به نقش مشاوره تحصیلی و شغلی در ایجاد رضایت شغلی در آینده تاکید شده است. طهماسبی کهپانی (۱۳۹۴) با استفاده از نظریه تصمیم‌گیری تیدمن معرفی انواع مشاغل توسط مشاوران تحصیلی به تصمیم‌گیری‌های دانش‌آموزان به‌طور قابل توجهی کمک می‌کند. فربیش و رید<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) تاکید می‌کنند، در عصری که مشاغل از حالت موروثی درآمده و شکل دموکراتیک پیدا کرده است، مشاوران تحصیلی باید اطلاعات شغلی وسیعی به دانش‌آموزان ارائه کنند و به آنها در انتخاب رشته تحصیلی و شغل مناسب کمک کنند.

علاوه بر مشاوران تحصیلی، والدین منبع دیگری برای ارائه مفاهیم شغلی به دانش‌آموزان هستند که عمدتاً به شیوه ضمنی و غیرمستقیم بر انتخاب‌های فرزندان تاثیر می‌گذارند (اوومن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶). مواردی مانند منش و شخصیت، آرزوها و آرمان‌ها، شغل و ارزش‌های والدین، رابطه والدین با فرزند و عواملی از این قبیل والدین را به عنوان منبع مهم در انتخاب شغل جلوه‌گر می‌سازد. ساین، میثماری و احمدو<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی نشان می‌دهند که انتخاب‌های شغلی نوجوانان با ارزش‌ها و آرمان‌ها والدین به ویژه مادران رابطه دارد. یافته‌های مرادی و اخوان تفتی (۱۳۹۲) نیز نشان می‌دهد، دانش‌آموزانی که با مشورت والدین رشته‌های نظری یا فنی را انتخاب می‌کنند، رضایت تحصیلی بالاتری دارند. به نظر آنها گرچه در انتخاب شغل، دانش‌آموزان بیشتر اطلاعات مورد نیاز خود را از مدرسه به‌دست می‌آورند ولی انتخاب نهایی آنها تحت تاثیر نفوذ والدین است. هریستون<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) با تاکید بر نقش مهم خانواده در انتخاب شغل فرزندان، نشان می‌دهد که در خانواده‌هایی که والدین پایگاه قوی‌تری دارند، نوجوانان سعی می‌کنند در انتخاب‌های شغلی خود رضایت والدین را جلب نمایند.

اولیاء برای تاثیرگذاری بیشتر بر انتخاب‌های شغلی فرزندان باید روابط گرم و صمیمانه با فرزندان داشته باشند. جودل، میشایل، ملانچاک، اکلس و سامروف<sup>۵</sup> (۲۰۰۱) نشان داده‌اند نوجوانان پسری که با خانواده‌های خود روابط با محبت و گرمی دارند به سمت مشاغلی که بیشتر با مردم سر و کار دارند، تمایل نشان می‌دهند.

1. Furbish & Reid

2. Oomen

3. Siyan, Maisamari & Ahmadi

4. Hairston

5. Jodl, Michael, Malanchuk, Eccles & Sameroff

این‌اگاکي<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) تاکید می‌کند که مشارکت والدین در تکالیف درسی دانش‌آموزان بر انتخاب‌های شغلی آنها تاثیر دارد. بر اساس یافته‌های او والدینی که در انجام تکالیف علوم و ریاضی با فرزندان خود مشارکت می‌کنند، فرزندان آنها در آینده به انتخاب شغل‌های مهندسی و فناورانه تمایل بیشتری نشان می‌دهند.

معلم‌ان نیز با ارائه مثال‌ها، طراحی فعالیت‌های یادگیری مبتنی بر بافت و جذاب، انتخاب شیوه‌های مناسب ارزشیابی، تدریس مساله‌محور و ارائه اطلاعات جانبی مرتبط با مشاغل، می‌توانند دانش‌آموزان را با دنیای مشاغل آشنا کنند (لی کوما<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). پژوهش‌ها نشان می‌دهد ارائه مثال‌های مرتبط با شغل‌ها در درس علوم و ریاضی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به کاربرد آموخته‌های خود در دنیای واقعی خوب بیاندیشند و سعی کنند آن را به دنیای اشتغال و کاربرد نزدیک سازند (ودز، برنیس، گان و روز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶)؛ بنابراین معلم‌ان با طراحی فعالیت‌های یادگیری که به انتقال آموخته کمک می‌کند، فرصتی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کنند تا به دنیای مشاغل به‌طور واقعی وارد شوند؛ به‌علاوه معلم‌ان با استفاده از شیوه‌های تدریس مساله‌محور، طراحی پروژه، استفاده از مطالعات موردی، بازدیدهای علمی و مطالعات میدانی به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا با مفاهیم شغلی و دنیای مشاغل بیشتر آشنا شوند. همچنین مطالعه فردی دانش‌آموزان، برگزاری گردهمایی‌های شغلی، دعوت از اولیاء، دعوت از کارآفرینان و صاحبان مشاغل به مدرسه از جمله شیوه‌هایی است که به دانش‌آموزان در فهم مفاهیم شغلی و توسعه سواد شغلی کمک می‌کند. جهرا، براگمن و هندراپ<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) بر نقش تلویزیون و رسانه‌های جمعی در معرفی مشاغل آینده و ارائه اطلاعات شغلی تاکید می‌کنند. به نظر آنها رسانه‌های جمعی فرصت‌های مناسبی برای تامل درباره شغل‌ها، معرفی مشاغل و موقعیت شغل‌ها برای مخاطبان خود فراهم می‌کنند و آرزوها یا انتظارات شغلی آنها را شکل می‌دهند. با توجه به جایگاه اطلاعات شغلی در انتخاب رشته تحصیلی و انتخاب شغل آینده دانش‌آموزان دوره متوسطه اول، بعضی از پژوهش‌ها مانند زندگی‌پور و شعاع کاظمی (۱۳۸۵) نشان می‌دهند که دانش‌آموزان غالباً بدون داشتن اطلاعات کافی درباره مشاغل، دست به انتخاب رشته می‌زنند که ممکن است این انتخاب در آینده آنها را با مشکل مواجه سازد. میرزایی، سراجی و شمس (۱۳۹۸) دریافتند که دانش‌آموزان پایه نهم استان همدان درکی محدودی از انواع مشاغل دارند و اطلاعات قبل‌اعتنایی برای تحلیل و انتخاب رشته مورد علاقه را ندارند. بر این اساس ضعف اطلاعات شغلی دانش‌آموزان و نبود فهرست شیوه‌های آموزش شغلی از مسائل مهم در آموزش سواد شغلی به دانش‌آموزان است. بر این اساس پژوهش حاضر قصد دارد، شیوه‌های آموزش سواد شغلی را شناسایی کند.

آموزش سواد شغلی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با شناسایی مشاغل، رشته تحصیلی مناسبی را انتخاب کنند. در بعضی از نظام‌های آموزشی یک درس یا تک درس‌هایی برای معرفی مشاغل به دانش‌آموزان در برنامه درسی دوره ابتدایی یا متوسطه گنجانده می‌شود. در برخی دیگر از نظام‌های آموزشی آموزش سواد

1. Inagaki

2. Le Cornu

3. Welde, Bernes, Gunn & Ross

4. Gehrau, Brüggemann & Handrup

شغلی در همه دروس و در کل برنامه‌درسی به دانش‌آموزان ارائه می‌شود و علاوه بر آن معلمان، کارکنان مدرسه، مشاوران، والدین و سایر عوامل مرتبط در اجتماع در ارتقاء سواد شغلی دانش‌آموزان مشارکت می‌کنند. به‌طور کلی دو رویکرد مهم در آموزش سواد شغلی از طریق برنامه‌درسی وجود دارد (برایت و پرایور<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲).

در رویکرد خطی، ضمن تاکید بر آموزش سواد شغلی از طریق برنامه‌درسی رسمی مدرسه، یک درس یا دروسی مانند علوم و ریاضی برای آموزش سواد شغلی در نظر گرفته می‌شود و معلمان باید در قالب این درس‌ها یا دروسی نظیر حرفه‌وفن و کار و فناوری مفاهیم شغلی را به دانش‌آموزان ارائه دهند. در این رویکرد، آموزش سواد شغلی در مدارس بر عهده معلمان خاص و مشاوران تحصیلی است (براوچ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). در این رویکرد تعدادی مفاهیم مهم شغلی انتخاب و در برنامه‌درسی رسمی اجرا می‌شود و معلمان و مشاوران مدارس وظیفه دارند، این مفاهیم را به دانش‌آموزان انتقال دهند. رویکرد دیگری که در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است، رویکرد بی‌نظمی<sup>۳</sup> در آموزش مفاهیم شغلی است. بر اساس این رویکرد، اگرچه تمام تلاش‌ها برای آموزش سواد شغلی باید با محوریت برنامه‌درسی مدارس انجام شود ولی مدارس به‌تنهایی نمی‌توانند تجارب مناسبی را در این زمینه برای دانش‌آموزان فراهم نمایند. این رویکرد با نگاه غیرخطی، پویا و توزیع شده، سواد شغلی را ترکیبی از مفاهیم شناختی، نگرشی و مهارتی تلقی می‌کند و برای آموزش آنها به دانش‌آموزان نگاه کل‌نگرانه به‌کار می‌گیرد. بر اساس این رویکرد، شرکای برنامه‌درسی باید در سطوح میکرو، مزو، و ماکرو در آموزش سواد شغلی درگیر شوند. در این رویکرد علاوه بر معلمان و مشاوران تحصیلی مدارس، افراد و سازمان‌های دیگری نیز دخیل هستند. در این رویکرد دانش‌آموزان، مدیران مدارس، والدین و سازمان‌های متولی اشتغال در آموزش مفاهیم شغلی نقش دارند. بر اساس این رویکرد مشاوران تحصیلی علاوه بر کمک به شناسایی استعدادهای شغلی دانش‌آموزان، باید منابع اطلاعاتی متنوع شغلی را به دانش‌آموزان معرفی کنند. معلمان نیز با ارائه مثال‌ها، نمونه‌ها، موردها، پروژه‌ها و شیوه‌های تدریس مبتنی بر مساله می‌توانند، درک شغلی دانش‌آموزان را ارتقاء دهند. معلمان و مشاوران می‌توانند، دانش‌آموزان را به سمت مطالعه خودرهیاب در زمینه شغل و مفاهیم شغلی هدایت کنند. به‌علاوه والدین از طریق بیان روایت‌های شغلی در مدرسه یا بیان داستان‌های شغلی می‌توانند به توسعه دیدگاه‌های شغلی دانش‌آموزان کمک کنند (برایت و پرایور، ۲۰۱۴).

همچنین در این رویکرد، روابط بین عوامل مختلف تاثیرگذار بر آموزش شغلی، ماهیت پویا و غیرخطی دارند. به‌عبارت دیگر، از تاثیر و تراکنش بین عوامل مختلف مانند مدیر مدرسه با معلم، والدین با برنامه‌درسی رسمی، والدین با معلم و سایر عوامل برنامه‌های تازه‌ای شکل می‌گیرد و تجارب یادگیری متنوعی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌سازد.

## سوالات یا فرضیه های پژوهش

1. Bright & Pryor

2. Baruch

3. Choase

هدف کلی این پژوهش شناسایی شیوه‌های آشناسازی دانش‌آموزان متوسطه اول (پسر) شهر همدان با سواد شغلی می باشد و سوال اصلی آن عبارتست از:

۱) شیوه‌هایی آموزش سواد شغلی به دانش‌آموزان دوره اول متوسطه کدامند؟

## روش شناسی تحقیق

### روش تحقیق

هدف این پژوهش، شناسایی شیوه‌های آشناسازی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول شهر همدان با سواد شغلی است. با توجه به این هدف در پژوهش حاضر از رویکرد کیفی استفاده شده است.

### جامعه آماری و نمونه

برای انتخاب مشارکت‌کنندگان در پژوهش ابتدا دو جلسه گروه کانونی با مشاوران و مدیران چهار مدرسه تشکیل شد. در پژوهش‌های قبلی عمدتاً برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد آموزش سواد شغلی، مدیران و مشاوران مدارس به عنوان مشارکت‌کننده انتخاب شده بودند. با ملاحظه این نکته و پس از جمع‌بندی نظرات طرح شده در این دو جلسه کانونی، مقرر شد مدیران مدارس، معلمان درس کار و فناوری، مشاوران مدارس، دانش‌آموزان، والدین به عنوان مشارکت‌کنندگان در پژوهش انتخاب شوند. این جلسات در یکی از مدارس پسرانه دوره اول متوسطه و به مدت دو جلسه نود دقیقه‌ای برگزار گردید (جلالی، ۱۳۹۱). برای انتخاب مدیران، معلمان و مشاوران مدارس از روش نمونه‌گیری گلوله برفی و ملاک محور استفاده شد که تعداد ۱۵ نفر مشاور، ۲۵ نفر معلم و ۱۶ نفر از مدیران مدارس انتخاب شدند. ملاک انتخاب آنها میزان تحصیلات و مرتبط بودن رشته تحصیلی با مساله پژوهش و تجربه کاری بود که افراد دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر در رشته های علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره و دارای سابقه پنج سال به بالا برای مصاحبه انتخاب شدند. به علاوه اینکه دانش‌آموزان و والدین به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. با توجه به اینکه امکان شناسایی دقیق دانش‌آموزان و والدین آگاه به سواد شغلی مقدور نبود، لذا مصاحبه‌شوندگان با نظر معلمان، مدیران، دانش‌آموزان و والدین انتخاب شدند. تلاش شد تا افرادی برای مصاحبه انتخاب شوند که اطلاعات بیشتر و دقیق‌تری درباره موضوع دارند و تعداد ۲۰ نفر از والدین و ۲۲ نفر از دانش‌آموزان در مصاحبه فردی شرکت کردند.

### فرایند اجرای پژوهش

هر مصاحبه بین ۳۰ تا شصت دقیقه به طول انجامید. سوال اصلی مصاحبه این بود که: «برای آشناسازی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول با مفاهیم شغلی چه شیوه‌هایی را پیشنهاد می‌کنید؟» ولی از معلمان، مشاوران، مدیران، والدین و دانش‌آموزان بسته به موقعیت‌شان سوالات ویژه‌تر در ادامه سوال کلی طرح می‌شد. نظیر اینکه مشاوران چگونه می‌توانند به افزایش دانش شغلی دانش‌آموزان کمک کنند؟ معلمان چگونه می‌توانند، درک دانش‌آموزان از مشاغل را بهبود بخشند؟ مدیران مدارس از چه راه‌هایی می‌توانند اطلاعات شغلی دانش‌آموزان را افزایش دهند؟ والدین چگونه می‌توانند در افزایش دانش شغلی دانش‌آموزان نقش ایفاء کنند؟ دانش‌آموزان از چه راه‌هایی می‌توانند دانش شغلی خود را افزایش دهند؟

## ابزار پژوهش و نحوه تحلیل‌های آماری

با توجه به نبود اطلاعات مشخص درباره نحوه آموزش سواد شغلی به دانش‌آموزان متوسطه از مصاحبه کانونی و مصاحبه فردی استفاده شد تا از اطلاعات پراکنده و نامنسجم مصاحبه‌شوندگان، مضمون‌ها و راه‌حل‌ها شناسایی شود.

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد. در این فرآیند ابتدا متن مصاحبه‌ها چهار بار بررسی شد و مضمون ایجاد گردید و سپس جایگاه هر مضمون از نوع فراگیر<sup>۱</sup>، سازمان‌دهنده<sup>۲</sup> و پایه<sup>۳</sup> در شبکه مضامین مشخص گردید. در مراحل تحلیل در ابتدا با اشراف مناسبی نسبت به محتوا که با مطالعه مکرر داده‌ها و خواندن فعال و جستجوی معانی و الگوها، یادداشت برداری و علامت‌گذاری داده‌ها آغاز گردید و در واقع آشنایی با داده شکل گرفت. سپس داده‌ها دقیق مطالعه گردید. این مرحله شامل ایجاد کدهای اولیه از داده‌ها است. این کدها ویژگی داده‌ها را معرفی می‌نمایند. در گام بعدی دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب مضمون‌های بالقوه و مرتب کردن خلاصه داده‌های کدگذاری شده در قالب مضمون‌های مشخص انجام شد. در این مرحله کدهای خود را در نظر گرفته و روابط بین کدها برای ایجاد مضمون‌های کلی تر مد نظر قرار گرفت. در گام بعدی مضمون‌ها پس از چند بار مرور و بازنگری اصلاح و نامگذاری گردید.

در این پژوهش برای رسیدن به اعتبار، از روش کنترل اعضا (ارائه تحلیل داده‌ها و نتایج به پاسخگویان) استفاده شد. به این صورت که یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها به سه نفر از اعضای نمونه‌ها که اطلاعات بیشتری درباره موضوع داشتند ارائه شد و مورد تایید آن‌ها قرار گرفت. به علاوه در این پژوهش از روش انتقال‌پذیری استفاده شد. انتقال‌پذیری، به این معنی است که یافته‌های پژوهش بتوانند به جامعه پژوهش قابل تعمیم باشند. استفاده از رویه‌های ویژه کدگذاری و تحلیل نمادها، نشانه‌ها و سایر موارد در مرحله تحلیل داده‌ها، قابلیت انتقال داده‌ها را افزایش داد (مریام، ۱۳۹۴، ص ۲۵۹). در این پژوهش فرآیند تحلیل مضمون<sup>۴</sup> به سه مرحله کلان تجزیه و توصیف متن، تشریح و تفسیر متن و ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن تقسیم شد، در حالی که همه این مراحل با تفسیر و تحلیل همراه است اما در هر مرحله بر عمق تفسیر و تحلیل افزوده می‌شود (براون و کلارک<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶).

## نتایج و یافته‌ها

به منظور شناسایی شیوه‌های آشناسازی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول (پسر) شهر همدان با سواد شغلی با ۹۸ نفر که با موضوع آشنایی بیشتری داشتند مصاحبه فردی صورت پذیرفت. با توجه به موقعیت مدارس تا حد امکان سعی شد، افراد از طبقات اقتصادی و اجتماعی مختلف انتخاب شوند. از تحلیل مصاحبه‌ها ۲۹۶ کد اولیه، چهل و چهار مضمون فرعی و چهارده مضمون اصلی آشکار شد که در جدول (۱) نشان داده شده است.

1. Global
2. Organizing
3. Basic
4. Thematic Analysis
5. Braun & Clarke



جدول ۱: مضمون‌های اصلی و فرعی مرتبط با شیوه‌های آشناسازی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول با سواد شغلی

مضمون‌های اصلی	مضمون‌های فرعی
انتشار فهرست مشاغل	استفاده از دفترچه رشته‌های دانشگاهی سازمان سنجش، استفاده از دفترچه معرفی مشاغل و فرصت‌های شغلی مربوط به اداره کار، اطلس مشاغل، تهیه و انتشار نشریات شغلی برای دانش‌آموزان، استفاده از فرهنگ مشاغل، راه‌اندازی و معرفی سایت‌های مختلف جهت معرفی مشاغل
جلب مشارکت اولیاء در معرفی مشاغل	جلسه آموزش خانواده جهت آشنایی والدین با هدایت تحصیلی-شغلی، جلسات بحث گروهی با دانش‌آموزان در زمینه مشاغل گوناگون، گفتگوهای انجمن اولیاء حول معرفی مشاغل.
استفاده منظم از آزمون‌های استعداد یابی شغلی	استفاده از آزمون‌های رغبت سنج تحصیلی- شغلی، تهیه ابزار بازی و سرگرمی تخصصی جهت آشناسازی دانش‌آموزان با مشاغل، احداث تونل استعداد
استفاده از مثال‌ها، نمونه‌ها و مسائل شغلی در حین تدریس	پاسخ مناسب به سوالات دانش‌آموزان در خصوص مشاغل، توضیح مفاهیم شغلی در کلاس درس، بیان ارتباط مفاهیم شغلی با دنیای واقعی
طراحی تکالیف یا فعالیت‌های شغلی مرتبط	فعالیت‌های یادگیری مرتبط با مشاغل، مطالعات موردی، تمرین‌های مهارتی، فعالیت‌های خلاقانه و انتقالی
بازدیدها	بازدید از نمایشگاه کتاب و تهیه کتاب در زمینه مشاغل، بازدید از مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای، بازدید از موسسات و کارخانجات و ادارات و تهیه گزارش، تمهید مقدمات جهت بازدید دانش‌آموزان از مراکز شغلی در قالب اردو
بیان تجربه‌های شغلی والدین	مطرح نمودن محدودیت‌ها و محاسن هر شغل بویژه شغل خود اولیاء، مطرح نمودن پیوند بین تحصیل، کار و زندگی و خدمت به عنوان یک ارزش برای ادامه حیات توسط پدر یا مادر
برگزاری منظم گردهمایی‌های شغلی در مدرسه	دعوت از صاحبان مشاغل و حرف و کارآفرینان و صاحبان شرکت‌های کوچک، ارائه واحد شناسایی مشاغل
برگزاری نمایش‌های شغلی	نمایش عروسکی با موضوع شغل، تهیه و نمایش و اجرای فیلم و انیمیشن و تئاتر با موضوع مشاغل
برگزاری هفته مشاغل	بازدیدهای شغلی، آشکار ساختن اهمیت مشاغل و نهادینه کردن فرهنگ کار و کارآفرینی
ترغیب مدارس به اجرای طرح ملی ایران مهارت	کسب مهارت‌های کوتاه مدت، ایجاد علاقه در دانش‌آموزان به رشته‌های فنی و حرفه‌ای، توسعه کار و کارآفرینی، توزیع کتاب ایران مهارت بین دانش‌آموزان
تبلیغات محیطی در مدارس	برگزاری مسابقات نقاشی و روزنامه دیواری و ... با موضوع مشاغل، دادن مسئولیت‌های مرتبط با کار مدارس به دانش‌آموزان،
استفاده از فضای مجازی و رسانه‌های جمعی	برنامه‌های تلویزیونی، اختصاص صفحه‌ای از روزنامه‌های کثیرالانتشار به آموزش مفاهیم شغلی، شبکه‌های اجتماعی، ایجاد وبلاگ و ویکی، خبررسانی شغلی از طریق گروه‌های مجازی
ترغیب دانش‌آموزان به مطالعه خودرهیاب درباره مشاغل	خواندن مطالب حرفه‌ای، انجام تحقیقات میدانی فردی و گروهی در خصوص مشاغل، همکاری در مقاله نویسی با موضوع مشاغل با دانش‌آموزان دیگر

۱) تهیه فهرست مشاغل. این مضمون از مضمون‌های فرعی مانند استفاده از دفترچه رشته‌های دانشگاهی سازمان سنجش، استفاده از دفترچه معرفی مشاغل و فرصت‌های شغلی مربوط به اداره کار، تهیه اطلاعات شغلی بومی و محلی بر اساس چارچوب‌های مربوطه نظیر اطلس مشاغل، تهیه و انتشار نشریات شغلی برای

دانش‌آموزان، استفاده از فرهنگ عناوین حرف و مشاغل، راه‌اندازی و معرفی سایت‌های مختلف جهت معرفی مشاغل شکل گرفت. در مصاحبه‌ها مکرر به این موارد اشاره شد. برای نمونه کد (۲) می‌گوید:

«هنگامی که دانش‌آموزان را با استفاده از این ابزارها با مشاغل آشنا کنیم و با وظایف و مسئولیت‌های هر شغل آشنا شوند، می‌توانند با توجه به استعداد و علایق خود شغل مناسبی را انتخاب کنند و امکان موفقیتشان بیشتر است.»

(۲) برگزاری جلسات آموزشی. این مضمون متشکل از مضامین فرعی مانند جلسه آموزش خانواده برای آشناسازی والدین با هدایت تحصیلی - شغلی، جلسات بحث گروهی با دانش‌آموزان در زمینه مشاغل گوناگون می‌باشد. اکثر مصاحبه‌شوندگان به برگزاری جلسات آموزشی اشاره کردند. به عنوان نمونه کد (۷) می‌گوید:

«شرکت کردن والدین و دانش‌آموزان در جلسات آموزشی ضمن تسهیل هدایت تحصیلی دانش‌آموزان توسط والدین سبب تصمیم‌گیری درست در خصوص آینده شغلی دانش‌آموزان می‌شود.»

(۳) استفاده از آزمون‌های استعداد شغلی. این آزمون‌ها شامل استفاده از آزمون‌های رغبت‌سنج تحصیلی - شغلی، تهیه ابزار بازی و سرگرمی تخصصی جهت آشناسازی دانش‌آموزان با مشاغل و احداث تونل استعداد می‌باشد. بعضی از مشارکت‌کنندگان به این شیوه‌ها اشاره کردند. به عنوان نمونه کد (۳) می‌گوید:

«شناخت تیپ‌های شخصیتی دانش‌آموزان و استفاده از ابزار بازی سبب بروز استعداد دانش‌آموزان و ایجاد خلاقیت در آن‌ها می‌شود و در این صورت بهتر می‌توان اطلاعات شغلی را به آن‌ها انتقال داد.»

(۴) تلاش‌های معلمان در حین تدریس. این مضمون اصلی با توجه به مضامین فرعی نظیر ارائه مثال‌ها، نمونه‌ها و مورد‌های شغلی، استفاده از روش‌های مساله محور، دادن پاسخ مناسب به سوالات دانش‌آموزان در خصوص مشاغل، توضیح مفاهیم شغلی در کلاس درس و بیان ارتباط مفاهیم شغلی با دنیای واقعی می‌باشد. برای نمونه یکی از معلمان شرکن‌کننده در مصاحبه می‌گوید:

«هنگامی که من به سوالات دانش‌آموزان در خصوص مشاغل پاسخ مناسب می‌دهم و ارتباط مفاهیم شغلی در کتاب‌ها را با دنیای واقعی برای دانش‌آموزان بیان می‌کنم، آنها نسبت به شناخت مشاغل علاقه‌مندتر می‌شوند.»

(۵) طراحی فعالیت‌ها یا تکالیف انتقالی. مضمون‌های فرعی نظیر فعالیت‌های یادگیری مرتبط با مشاغل، مطالعات موردی، تمرین‌های مهارتی و فعالیت‌های خلاقانه و انتقالی مجموعاً این مضمون را شکل دادند. برای نمونه یکی مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

«من در اغلب درس‌ها از دانش‌آموزان می‌خواهم، دقت کنند که این مطالب در کدام شغلی به‌کار برده می‌شود؟ آیا می‌توانند راه‌های جدید و خلاقانه‌تر برای آن شغل پیشنهاد کنند؟»

(۶) بازدید و گردش علمی. این مضمون مشتمل بر مضمون‌های فرعی نظیر بازدید از نمایشگاه کتاب و تهیه کتاب در زمینه مشاغل، بازدید از مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای، بازدید از موسسات و کارخانجات، بازدید از شرکت‌ها و ادارات و تهیه گزارش می‌باشد. مشارکت‌کننده کد شماره (۱۲) به عنوان نمونه می‌گوید:

«من به همراه فرزندم سعی می‌کنم که از نمایشگاه‌های کتاب و مراکز فنی و حرفه‌ای و ادارات بازدید کنیم تا ضمن آشنا کردن فرزندم با مشاغل مختلف بدانم که برای هر شغلی چه رشته‌ای باید بخواند.»

(۷) استفاده از تجارب و روایت‌های شغلی والدین. آشناسازی از طریق تبادل تجربه اولیا با دانش‌آموزان در زمینه مشاغل که شامل: مطرح نمودن محدودیت‌ها و محاسن هر شغل و به ویژه شغل خود برای فرزندان و مطرح نمودن پیوند بین تحصیل، کار و زندگی و خدمت به عنوان یک ارزش برای ادامه حیات می‌باشد. تقریباً همه مشارکت به ویژه والدین شرکت‌کننده به نوعی به این موارد اشاره کردند. به عنوان نمونه کد شماره (۱۳) می‌گوید:

«با توضیحاتی که درباره شغل خودم که تعمیرکار لوازم برقی است و همچنین مشاغل خدماتی دیگر و توضیح این مطلب که شغل یکی از راه‌های مشارکت اجتماعی است فرزندم را به شناخت مشاغل علاقه‌مند کرده‌ام.»

(۸) برگزاری گردهمایی‌های شغلی در مدارس. این مضمون با در کنار هم نهادن مضمون‌های فرعی نظیر دعوت از صاحبان مشاغل، کارآفرینان و صاحبان شرکت‌های کوچک، به مدرسه جهت ارائه سخنرانی و تبادل تجربه با دانش‌آموزان شکل گرفت. یکی از مدیران مدارس این‌گونه تاکید می‌کند که «هر چند این دعوت از کارآفرینان و صاحبان شرکت‌ها به مدرسه مشکلاتی دارد ولی گاهی تنها منبع برای شناخت مشاغل است و در حین گفت‌وگو جنبه‌های ناشناخته مشاغل آشکار می‌شود و دانش‌آموزان از آن اطلاعات مفیدی دریافت می‌کنند.»

(۹) برگزاری نمایش‌های شغلی که شامل: نمایش عروسکی با موضوع مشاغل و تهیه و اجرای انیمیشن، فیلم و تئاتر با موضوع مشاغل می‌باشد. اکثر مصاحبه‌شوندگان به این موارد اشاره کردند. به عنوان نمونه کد شماره (۱۵) می‌گوید:

«به دلیل جذابیتی که انیمیشن و نمایش‌ها دارند هم می‌توان در دانش‌آموزان علاقه به شناخت مشاغل را به وجود آورد و هم ارزش کار را از طریق فیلم به دانش‌آموزان انتقال داد.»

(۱۰) برگزاری هفته مشاغل. هفته مشاغل به عنوان یک برنامه رسمی است که طی آن باید دانش‌آموزان با انواع مشاغل، فرهنگ کار، نحوه انتخاب و ورود به مشاغل آشنا شوند، اما با توجه به زمان برگزاری آن در اردیبهشت ماه عملاً پیام این هفته تحت تاثیر حال و هوای امتحانی مدارس قرار می‌گیرد و دانش‌آموزان چندان در ابعاد مختلف مشاغل قرار نمی‌گیرند. لیکن هدف این فعالیت، آشکار ساختن اهمیت مشاغل و نهادینه کردن فرهنگ کار و کارآفرینی، مشارکت دانش‌آموزان در فرهنگ‌سازی برای کار و تولید است. مشارکت‌کننده کد (۴) در این رابطه می‌گوید:

«فعالیت‌هایی که در هفته مشاغل صورت می‌گیرد از قبیل بازدید از مراکز شغلی اهمیت وجودی مشاغل و ارزش کار و شرایط استخدام در مشاغل را برای دانش‌آموزان آشکار می‌کند هر چند بهتر است هفته مشاغل در اوایل سال تحصیلی برگزار شود.»

(۱۱) اجرای طرح ملی ایران مهارت. گذراندن یک یا چند مهارت کوتاه مدت از پانصد مهارت به مدت ۲ تا ۸۰ ساعت، ایجاد علاقه در دانش آموزان به مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، توسعه کار و کارآفرینی و آشنایی دانش‌آموزان با شایستگی‌های مورد نیاز حرف و مشاغل مختص دانش‌آموزان و توزیع کتاب ایران مهارت در بین دانش‌آموزان می‌باشد. در اکثر مصاحبه‌ها به تاثیر این شیوه اشاره شد. به عنوان نمونه کد شماره (۷) می‌گوید:

«با اجرای این طرح ضمن اینکه دانش‌آموزان به رشته‌های فنی و حرفه‌ای علاقه‌مند می‌شوند، می‌فهمند که بدون ورود به دانشگاه هم می‌توان به موفقیت دست یافت و در آینده زودتر جذب بازار کار شد».

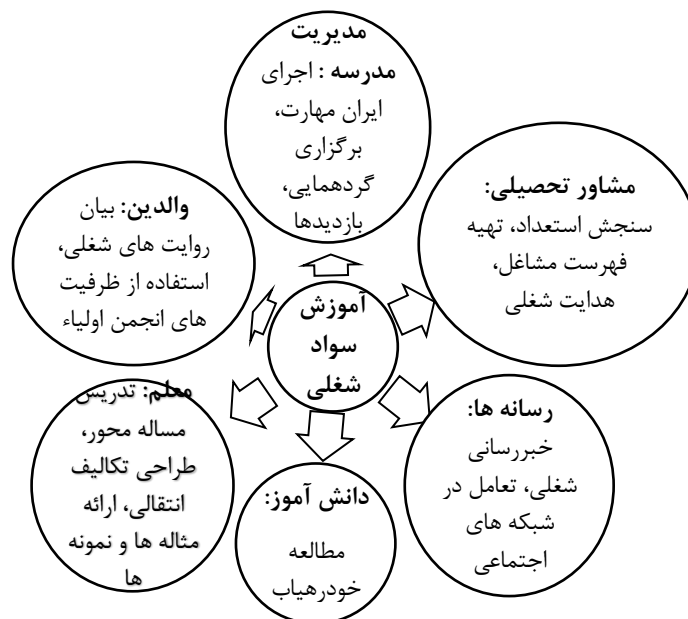
(۱۲) تبلیغات در محیط مدرسه. برگزاری فعالیتهایی نظیر مسابقات نقاشی و تهیه روزنامه دیواری با موضوع مشاغل، در محیط مدرسه فضایی را فراهم می‌سازد که دانش‌آموزان در عین حال که مسئولیتهایی را بر عهده می‌گیرند، با موضوع شغل و مفاهیم شغلی درگیر می‌شوند. یکی از مشارکت‌کنندگان (کد ۱۱) می‌گوید:

«با برگزاری مسابقات گوناگون با موضوع مشاغل و دادن مسئولیت‌های مربوط به مدرسه به دانش‌آموزان، ضمن کسب اطلاعات شغلی از آثار دیگران با ارزش و اهمیت مشاغل بهتر آشنا می‌شوند».

(۱۳) استفاده مناسب از رسانه‌های جمعی. هر فردی در طول روز با رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون، روزنامه‌ها و رسانه‌های مجازی سر و کار دارد و از طریق این رسانه‌ها می‌توان اطلاعات زیادی در خصوص مشاغل در اختیار دانش‌آموزان قرار داد. از طریق شبکه‌های اجتماعی مانند وبلاگ‌ها، فیس‌بوک، واتساپ و اینستاگرام می‌توان کارآفرینی‌ها، موفقیت‌های شغلی، زمینه‌های جدید شغلی و نتایج پژوهش‌های مربوط به آینده مشاغل را در بین دانش‌آموزان تبادل نمود. یکی از دانش‌آموزان در این ارتباط گفت:

«من به همراه تعدادی از همکلاسی‌ها مون، یک گروه اینستاگرامی ایجاد کرده‌ایم و اطلاعات مفید مربوط به انتخاب رشته تحصیلی را با هم مبادله می‌کنیم و بچه‌ها نظرات خود را در مورد شغل‌ها و آینده می‌نویسند. بعضی وقت‌ها شغل‌های جدیدی را معرفی می‌کنند».

در نمودار ۱ روابط بین مضامین اصلی و عوامل ارائه شده است.



نمودار ۱: روابط بین مضامین اصلی و عوامل

## بحث و نتیجه گیری

اشتغال پذیر کردن دانش آموزان دوره متوسطه و آماده سازی آنها برای ورود به بازار کار یکی از وظایف مهم نظام آموزشی است. نظام های آموزشی به شیوه های مختلف تلاش می کنند تا اطلاعات شغلی دانش آموزان را در ابعاد مختلف ارتقاء دهند. ارائه اطلاعات شغلی به دانش آموزان به آنها کمک می کند تا با توجه به شرایط خود و نیازهای اجتماعی رشته های تحصیلی مناسبی را انتخاب کنند. لیکن برای آشناسازی دانش آموزان با مفاهیم شغلی و بهبود سواد شغلی آنها، شیوه های متنوعی وجود دارد. بعضی از نظام های آموزشی با اتخاذ رویکرد خطی نسبت به ارائه آن در برنامه درسی دوره ابتدایی و متوسطه، ارائه مفاهیم شغلی را به عهده مشاوران تحصیلی و معلمان وامی گذارند؛ اما در دهه های اخیر اغلب نظام های آموزشی برای آموزش سواد شغلی به رویکرد جامع نگر و کل گرایانه روی آورده اند. بر اساس این رویکرد آموزش سواد شغلی باید با شیوه های متنوع و متکثر و در یک اکوسیستم وسیع صورت گیرد که در آن معلمان، مشاوران تحصیلی، والدین، مدیران مدارس، سازمان ها و شرکت ها و رسانه های جمعی باید نقش ایفاء کنند. بر این اساس آشناسازی دانش آموزان متوسطه با مفاهیم شغلی وظیفه دشوار، پیچیده و چندبعدی است که معلمان و مشاوران تحصیلی به تنهایی از عهده انجام صحیح آن بر نمی آیند. از این رو هدف کلی پژوهش حاضر شناسایی شیوه های آشناسازی دانش آموزان دوره اول متوسطه اول با سواد شغلی است.

با توجه به این هدف، یافته های پژوهش حاضر از دو جهت قابل بحث است. یکی از حیث افراد و عوامل دخیل در آموزش سواد شغلی و دیگری از حیث شیوه های آموزشی. همانگونه که تاکید شد، آموزش مفاهیم شغلی موضوع چندبعدی، پیچیده و چندلایه ای است که مدرسه یا معلم دروس خاص مانند حرفه و فن و کار و فناوری از عهده آن بر نمی آید، بلکه عوامل گوناگونی در درون و بیرون مدرسه باید در آن مشارکت نمایند.

عواملی مانند معلم حرفه و فن یا کار و فناوری، معلمان دروس دیگر، مدیر مدرسه، مشاور مدرسه، والدین، سازمان‌های مرتبط با کار و اشتغال، دانش‌آموز و انجمن اولیاء و مربیان در درون و بیرون مدرسه باید در آموزش سواد شغلی نقش داشته باشند. این یافته‌ها همسو با رویکرد کل‌نگرانه است که آموزش سواد شغلی را موضوع بی‌نظم، در هم‌تنیده و پویا تلقی می‌کند. بر اساس این رویکرد برای آموزش سواد شغلی به دانش‌آموزان عوامل مختلفی در درون و بیرون مدرسه با هم در تعامل مستمر هستند که این تعاملات تراکنش‌هایی را به وجود می‌آورد و مجموعه این تراکنش‌ها، دانش‌آموز را به سمت جستجو، یادگیری و درک مفاهیم شغلی ترغیب می‌کند. تینگ، لئونگ، استورات، اسمیت، رابرتس و دیز (۲۰۱۲) نشان می‌دهند که کره‌جنوبی از سال ۲۰۰۲ برای افزایش سواد شغلی دانش‌آموزان از دوره ابتدایی رویکرد کل‌نگرانه‌ای را در برنامه‌درسی به کار گرفته و از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های عوامل مختلف مانند معلمان، مدیر مدرسه، مشاوران تحصیلی، والدین و سازمان‌های بیرونی در این راستا بهره می‌گیرد.

بخش دوم یافته‌های این پژوهش مربوط به شیوه‌های آموزش سواد شغلی است. بر اساس یافته‌های مربوط به شیوه‌های آموزش سواد شغلی، یکی از این شیوه‌ها انتشار فهرست شغل‌های موجود است. مشاوران تحصیلی، والدین، معلمان، مدیران مدارس و سازمان‌های مرتبط با اشتغال می‌توانند فهرست مشاغل را به دانش‌آموزان ارائه کنند. به‌پژوه (۱۳۸۴) نشان می‌دهد که ارائه فهرست مشاغل به دانش‌آموزان و طبقه‌بندی مشاغل برای آنها، می‌تواند سواد شغلی دانش‌آموزان را افزایش دهد. بر اساس یافته‌های فرییش و رید (۲۰۱۳) ارائه اطلاعات شغلی و تهیه فهرست مشاغل، دانش‌آموزان متوسطه را برای ورود به دنیای مشاغل آماده می‌سازد. دومین شیوه آموزش سواد شغلی به دانش‌آموزان، استفاده از آزمون‌های استعداد تحصیلی و رغبت‌سنج-هاست که مشاوران تحصیلی می‌توانند آن را در مدارس متوسطه به اجرا بگذارانند. این یافته‌ها در پژوهش‌های قبلی مانند سرلک و همکاران (۱۳۹۴)، رضایی‌پور (۱۳۹۴) و شفیع‌آبادی (۱۳۹۲) مورد تاکید قرار گرفته است. سرلک و همکاران (۱۳۹۴) اجرای آزمون‌های ارزیابی استعداد را برای معرفی مشاغل به دانش‌آموزان ضروری می‌شمارند. رضایی‌پور (۱۳۹۴) و شفیع‌آبادی (۱۳۹۲) به اجرای آزمون‌های استعداد و رغبت‌سنج در راستای کمک به رضایت شغلی و تحصیلی تاکید دارند. شناسایی استعدادها از طریق اجرای آزمون‌های استعداد سنجی یکی از شیوه‌های قدیمی در هدایت تحصیلی است، لیکن چگونگی اجرای این آزمون‌ها و تناسب آنها با فرهنگ کشورهای مختلف مساله مهم و حائز اهمیت در آموزش سواد شغلی است.

سومین شیوه آموزش سواد شغلی به دانش‌آموزان ارائه مثال‌ها، نمونه‌ها و استفاده از شیوه مساله‌محور در تدریس است. این شیوه آموزش توسط معلمان دروس حرفه و فن و کار و فناوری و معلمان سایر دروس در کلاس درس است. معلمان از دیگر عواملی هستند که با ارائه مثال‌ها، فعالیت‌های یادگیری، انتخاب شیوه‌های مناسب ارزشیابی، تدریس مساله‌محور و ارائه اطلاعات جانبی مرتبط با مشاغل، دانش‌آموزان را به دنیای مشاغل پیوند می‌دهند (لی‌کوما، ۲۰۱۳). پژوهش‌ها نشان می‌دهد ارائه مثال‌های مرتبط با شغل‌ها در درس علوم و ریاضی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به کاربرد آموخته‌های خود در دنیای واقعی خوب بیندیشند و سعی کنند آن را به دنیای اشتغال و کاربرد نزدیک سازند (ودز، برنیس، گان و روز، ۲۰۱۶)؛ بنابراین معلمان با

طراحی فعالیت‌های یادگیری که به انتقال آموخته‌ها کمک می‌کند، فرصتی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کنند تا به دنیای مشاغل به‌طور واقعی وارد شوند. به‌علاوه معلمان با استفاده از شیوه‌های تدریس مساله‌محور، طراحی پروژه، استفاده از مطالعات موردی، بازدیدهای علمی و مطالعات میدانی به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا با مفاهیم شغلی و دنیای مشاغل بیشتر آشنا شوند. به‌علاوه، یکی دیگر از شیوه‌های آموزش سواد شغلی توسط معلمان طراحی فعالیت‌های یادگیری انتقالی است که این تکالیف، فرصت‌هایی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌سازد تا آموخته‌های خود را در موقعیت واقعی و در دنیای کار و اشتغال به‌کار بگیرند و در قبال هر آموخته‌ای به کاربردهای آن بیاندیشند. همسو با یافته‌های این پژوهش، لی کوما (۲۰۱۳) اشاره می‌کند، معلمانی که از روش‌های تدریس حل مساله استفاده می‌کنند و در تدریس خود مثال‌ها و نمونه‌های شغلی را برای دانش‌آموزان به نمایش می‌گذارند، به ارتقاء سواد شغلی دانش‌آموزان کمک می‌کنند. ودز و همکاران (۲۰۱۶) دریافتند، ارائه مثال‌های شغلی در دروس علوم و ریاضی، دانش‌آموزان را برای ورود به دنیای اشتغال و اندیشیدن درباره شغل‌ها آماده می‌سازد؛ بنابراین معلمان به عنوان مجریان اصلی برنامه‌درسی می‌توانند با واقعی کردن آموزش از طریق مواجهه ساختن دانش‌آموزان با مسائل، ارائه مثال‌ها، ارائه نمونه‌ها و موردها، طراحی تکالیف یادگیری واقعی، ارائه بازخورد، طراحی پروژه و تدارک موقعیت‌های خودآزمایی، دانش‌آموزان را به یادگیری‌های واقعی و اصیل سوق دهند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، درگیر کردن اولیاء از طریق جلب مشارکت انجمن اولیاء و استفاده از تجربه‌های شغلی آنها در کلاس درس به شیوه بیان روایت‌ها می‌تواند، شیوه‌های دیگری برای افزایش سواد شغلی دانش‌آموزان تلقی گردد. خانواده و والدین به شکل مستقیم و غیرمستقیم در شکل‌دهی رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان تاثیرگذار هستند و مدارس باید از این ظرفیت‌ها در راستای اهداف آموزش سواد شغلی بهره‌گیرند. یافته‌های ایناگاکي (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که مشارکت والدین در انجام تکالیف درسی علوم و ریاضی، دانش‌آموزان را به انتخاب شغل‌های مهندسی و فناوریانه ترغیب می‌کند. والدین همانگونه که در عرصه‌های مختلف نظیر پیشرفت تحصیلی، اجرای تکالیف، علاقمندی به مدرسه و سایر زمینه‌ها نقش دارند، در زمینه سواد شغلی نیز می‌توانند اطلاعات شغلی فرزندان خود را ارتقاء دهند و آنها را به سمت شغل‌های مورد نیاز جامعه هدایت کنند. ساین و همکاران (۲۰۱۸) نشان می‌دهند که نوجوانان در انتخاب شغل به ارزش‌های و آرمان‌های والدین به‌ویژه مادران توجه دارند و سعی می‌کنند، رشته تحصیلی و شغلی خود را متناسب با ارزش‌های آنها انتخاب کنند. همسو با یافته‌های این پژوهش، مرادی و اخوان تفتی (۱۳۹۰) دریافتند، مشورت با والدین در مورد انتخاب رشته تحصیلی و شغل، رضایت تحصیلی دانش‌آموزان را بالا می‌برد. هریستون (۲۰۰۰) نیز پایگاه خانواده را در ارتقاء سواد شغلی حائز اهمیت می‌شمارد؛ بنابراین مدارس می‌توانند از ظرفیت‌های خانواده و والدین از طریق بیان روایت‌های شغلی آنها برای فرزندان خود در خانه، بیان روایت‌های شغلی در کلاس درس، تبادل تجربه‌های شغلی در شبکه‌های اجتماعی و حضور در انجمن اولیاء به ارتقاء سواد شغلی دانش‌آموزان کمک کنند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش از شیوه‌های دیگری مانند بازدید از شرکت‌ها، کارگاه‌ها و کارخانه‌ها، برگزارهای گردهمایی‌های شغلی در مدرسه، برگزاری نمایش‌های شغلی و ترغیب مدیران مدارس به اجرای طرح ملی مهارت می‌توان برای آموزش سواد شغلی استفاده نمود. در یافته‌های قبلی مانند نعمت‌اللهی (۱۳۸۷) نیز تاکید شده است که استفاده از گردهمایی‌ها در مدرسه و سخنرانی‌های صاحبان مشاغل منبع مناسبی برای آموزش‌های سواد شغلی است. مدیران مدارس به عنوان محور فعالیت‌هایی مانند برگزاری اردوها و بازدیدهای شغلی هستند که می‌توانند با مراکز شغلی، کارخانه‌ها و کارگاه‌های کوچک جهت بازدید هماهنگی‌های لازم را برای بازدید به عمل آورند. بر اساس رویکرد کل‌گرا، بازدید از کارگاه‌ها، استفاده از سخنرانی صاحبان مشاغل و برگزاری گردهمایی‌های شغلی توسط مدرسه می‌توان به اطلاعات شغلی دانش‌آموزان بیافزاید و قدرت تحلیل دانش‌آموزان از مشاغل را افزایش دهد. بر این اساس استفاده از این شیوه‌ها در آموزش سواد شغلی چشم‌اندازهای تازه‌ای را به روی دانش‌آموزان باز می‌کند.

استفاده از رسانه‌های جمعی مانند روزنامه‌ها، تلویزیون، شبکه‌های اجتماعی و سایر محیط‌های مجازی بسترهای مناسبی برای یادگیری اطلاعات شغلی و درک توانمندی‌های خود را برای دانش‌آموزان فراهم می‌سازند. رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون و روزنامه‌های کثیرالانتشار از طریق ارائه اطلاعات مربوط به انواع مشاغل و شبکه‌های اجتماعی با بسترسازی برای تبادل اطلاعات و تعامل با همکلاسان و افراد صاحب حرفه فرصت‌های مناسبی برای افزایش درک دانش‌آموزان از مشاغل فراهم می‌سازد و دانش‌آموزان نیز کمک می‌کند متناسب با توانایی‌ها و ویژگی‌های خود درباره مشاغل بیشتر بیندیشند. جهرا، براگمن و هندراپ (۲۰۱۶) در یافته‌های خود بر نقش تلویزیون و رسانه‌های جمعی در معرفی مشاغل و ارائه اطلاعات شغلی تاکید می‌کنند و نقش آنها را در شکل‌دهی آرزوهای شغلی مورد توجه قرار می‌دهند.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش حاضر ترغیب دانش‌آموزان به مطالعه درباره مشاغل است. مجموعه شیوه‌هایی که ذکر شد، باید دانش‌آموز را به جستجو و تکاپوی بیشتر درباره مشاغل کنجکاو کند و مسیرهای انتخاب شغل مناسب را به او نشان دهد و او را برای انتخابگری عاقلانه آماده سازد.

به طور کلی می‌توان گفت، سواد شغلی با ارائه اطلاعات درباره مشاغل، کمک به دانش‌آموزان برای شناخت ویژگی‌های خود و تحلیل تناسب بین ویژگی‌های افراد با مشاغل است که در نهایت باید به انتخاب منطقی شغل منجر شود. دانش‌آموزان متوسطه برای کسب سواد شغلی باید علاوه بر شناخت انواع مشاغل، درک صحیحی از ویژگی‌های جسمانی، استعدادها، خودپنداره و امکانات فردی و اجتماعی خود داشته باشند. رویکرد کل‌نگر با تردید در رویکرد خطی، برای آموزش سواد شغلی تاکید می‌کند که باید عوامل گوناگون درون و بیرون مدرسه مانند معلم دروس حرفه و فن، کار و فناوری، معلمان دروس دیگر، مشاوران تحصیلی، والدین و مدیران مدارس به نحوی در کنار یکدیگر برای آموزش سواد شغلی هم‌افزایی کنند که مجموعه تلاش‌های این عوامل، دانش‌آموزان متوسطه را به سمت مطالعه خودرهیاب و کنجکاوانه درباره مشاغل ترغیب کند و ماحصل این تلاش‌های کنجکاوانه و خودرهیابانه آنها را برای انتخاب‌های عاقلانه و منطقی آماده نماید.



## پیشنهادهای

۱) مدیران مدارس از طریق دعوت از صاحبان مشاغل به منظور ایراد سخنرانی، نمایش فیلم راجع به مشاغل، نصب تابلوهایی راجع به مشاغل، تشکیل کتابخانه شغلی، تشکیل انجمن های آموزشگاهی به حرف مختلف و گردش های علمی، دانش آموزان دوره اول متوسطه را با مشاغل مختلف آشنا کند.

۲) از آنجا که دانش آموزان به نظر و راهنمایی والدین اهمیت زیادی می دهند، ضرورت دارد که مدارس متوسطه در برنامه های آموزش خانواده به بحث در مورد ویژگی های مشاغل، وضعیت بازار کار و امکانات تحصیلی در رشته های فنی و حرفه ای بپردازند و خانواده ها در این نوع برنامه ها شرکت کنند تا بتوانند فرزندان خود را در انتخاب رشته و شغل آگاهانه، راهنمایی کنند و از تلاش برای تحقق آرزوهای تحقق نیافته جوانی خود توسط فرزندشان بپرهیزند.

۳) با توجه به اهمیت مهارت آموزی برای دانش آموزان طرح ملی ایران مهارت با جدیت بیشتری و در مدارس بیشتری اجرا شود و رسانه های جمعی در هفته مشاغل با مدارس همکاری بیشتری داشته باشند.

۴) با توجه به اینکه هفته معرفی مشاغل در اردیبهشت ماه می باشد و این فصل نزدیک امتحانات می باشد و ذهن دانش آموزان بیشتر درگیر امتحانات است پیشنهاد می شود که هفته مشاغل در اوایل سال تحصیلی برگزار شود.

۵) آموزش مشاوران ضمن تحصیل و حین خدمت و آشنا کردن و فعال کردن مشاوران مدارس با مراکز آموزشی وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان فنی و حرفه ای و دیگر نهادهای مرتبط در امر هدایت تحصیلی و شغلی جهت ارائه هر چه بهتر خدمات راهنمایی و مشاوره تحصیلی - شغلی متناسب با پژوهش ها و نیازهای روز صورت پذیرد.

۶) به پژوهشگران آینده پیشنهاد می شود، شیوه های بیشتری در زمینه های مربوط به معلمان، والدین، مدیران مدارس، مشاوران تحصیلی و خود دانش آموزان برای افزایش سواد شغلی شناسایی کنند.

## منابع

به پژوه، احمد (۱۳۸۴). چه کسی با کدام شخصیت، کدام شغل را انتخاب می کند؟ چاپ چهارم. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

جلالی، رستم (۱۳۹۱). نمونه گیری در پژوهش های کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۱(۴): ۳۱۰-۳۲۰.

رضایی پور، محمود (۱۳۹۴). مشاوره و اهمیت آن در راهنمایی شغلی. اولین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روان شناسی. جامعه شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران. تهران، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.

زندى پور، طیب؛ و شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۸۵). بررسی تاثیر ارائه اطلاعات تحصیلی - شغلی بر گزینه های تحصیلی - شغلی دانش آموزان دختر پیش دانشگاهی رشته علوم تجربی منطقه تهران. معرفت، ۴(۱)، ۹۵-۱۰۲.

سرلک، حیات الله؛ شاهسواری، محمود؛ میرکوهی، ناهید؛ رحمانی، طاهره؛ و آذرفر، علیرضا (۱۳۹۴). بررسی و مطالعه عوامل تاثیر گذار بر انتخاب شغل و اهمیت مشاوره تحصیلی و شغلی. مجله مدیریت و نوآوری در کسب و کار، ۵(۲)، ۲۱-۱۳.

شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۹۲). راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی و نظریه های انتخاب شغل. تهران: انتشارات سمت.

- کردوست، نوروزعلی؛ زندوانیان، احمد؛ و ابوالقاسمی، محمد (۱۳۸۵). طراحی الگوهای مناسب جهت هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه. *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*، ۳۶(۱)، ۹۹-۱۲۲.
- صافی، احمد (۱۳۸۸). راهنمایی و مشاوره در دوره متوسطه ایران و نقش مشاوران در این دوره. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۳(۳۳)، ۱۲-۲۸.
- طهماسبی کهیانی، مجتبی (۱۳۹۴). بررسی نظریه تصمیم‌گیری تیدمن در مشاوره شغلی و کاربرد آن در موفقیت شغلی. اولین همایش علمی پژوهشی روانشناسی، علوم تربیتی و آسیب‌شناسی جامعه. کرمان.
- کریمی، ابوبکر (۱۳۹۵). بررسی میزان تاثیر هدایت شغلی و مشاوره‌های مدرسه در انتخاب رشته‌های آموزش فنی و حرفه‌ای دانش‌آموزان شاهد و غیر شاهد استان مازندران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- کاویانی، حسین؛ نوری‌زاده، مریم؛ پورناصح، مهرانگیز؛ و قدس میرحیدری، سیمین (۱۳۸۱). جایگاه مشاوران مدارس و موانع مشاوره: نقد کیفی. *تازه‌های علوم شناختی*، ۴(۱)، ۶۷-۷۴.
- مرادی، انسیه و اخوان‌تفتی، مهناز (۱۳۹۲). بررسی رضایت دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری از انتخاب رشته خویش و عوامل موثر بر آن. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، ۹(۲۸)، ۱۳۹-۱۲۲.
- میرزایی، داوود؛ سراجی، فرهاد؛ و شمس، فاطمه (۱۳۹۸). بررسی جایگاه رشته‌های فنی‌حرفه‌ای و کار دانش از دیدگاه دانش‌آموزان پایه نهم استان همدان. *فصلنامه مطالعات برنامه‌درسی*، ۱۴(۳)، ۵۴-۸۳.
- میرام، شرونی (۱۳۹۴). تحقیق کیفی: راهنمایی برای طراحی و اجرا. ترجمه نورالله پاشا. تهران: جامعه معاصر.
- نعمت‌الهی، علی (۱۳۸۷). بررسی عوامل موثر در انتخاب رشته تحصیلی و علائق دانش‌آموزان سال اول متوسطه دبیرستان‌های شهرستان تکاب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی.
- Ali, S. R., Yang, L. Y., Button, C. J., & McCoy, T. T. (2012). Career education programming in three diverse high schools: A critical psychology—case study research approach. *Journal of Career Development, 39*(4), 357-385.
- Baruch, Y. (2004). Transforming careers: from linear to multidirectional career paths. *Career development international, 9*(1), 58-73.
- Bengtsson, A. (2014). Enterprising career education: the power of self-management. *International Journal of Lifelong Education, 33*(3), 362-375.
- Bright, J. E., & Pryor, R. G. (2012). The Chaos Theory of Careers in career education. *Journal of the National Institute for Career Education and Counselling, 28*(1), 10-20.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology, 3*(2), 77-83. doi: 10.1191/1478088706qp063oa
- Furbish, D., & Reid, L. (2013). Best practices in career education and development in New Zealand secondary schools. *Australian Journal of Career Development, 22*(1), 14-20.
- Gehrau, V., Brüggemann, T., & Handrup, J. (2016). Media and occupational aspirations: The effect of television on career aspirations of adolescents. *Journal of Broadcasting & Electronic Media, 60*(3), 465-483.
- Jodl, K. M., Michael, A., Malanchuk, O., Eccles, J. S., & Sameroff, A. (2001). Parents' roles in shaping early adolescents' occupational aspirations. *Child development, 72*(4), 1247-1266.
- Hahm, S. Y. (2012). An empirical study on career maturity, achievement goal, learning attitude and academic achievement of middle school students: focused on subjects-related career education. *Journal of fisheries and marine sciences education, 24*(5), 616-626.
- Hairston, J. E. (2000). How Parents Influence African American Students' Decisions To Prepare for Vocational Teaching Careers. *Journal of career and technical education, 16*(2), 5-15.
- Inagaki, K. (2014). Case study: Linking career education to university education in Japan. *International Journal of Educational and Pedagogical Sciences, 8*(8), 2397-2399.
- Kashefpakdel, E. T., & Percy, C. (2017). Career education that works: An economic analysis using the British Cohort Study. *Journal of education and work, 30*(3), 217-234.

- Le Cornu, R. (2013). Building early career teacher resilience: The role of relationships. *Australian Journal of Teacher Education (Online)*, 38(4), 1- 15.
- Oomen, A. (2016). Parental involvement in career education and guidance in secondary education. *Journal of the National Institute for Career Education and Counselling*, 37(1), 39-46.
- Pryor, R. G., & Bright, J. E. (2014). The Chaos Theory of Careers (CTC): Ten years on and only just begun. *Australian Journal of Career Development*, 23(1), 4-12.
- Siyam, J. A., Maisamari, J. Y., & Ahmadu, Y. (2018). Relationship between parental guidance and students career choice in secondary schools in Federal Capital Territory, Abuja-Nigeria. *Journal of Education and Practice*, 9(18), 135-142.
- Sun, V. J., & Yuen, M. (2012). Career guidance and counseling for university students in China. *International journal for the advancement of counselling*, 34(3), 202-210.
- Ting, S. R., Leung, Y. F., Stewart, K., Smith, A. C., Roberts, G. L., & Dees, S. (2012). A Preliminary Study of Career Education in Middle School. *Journal of Career and Technical Education*, 27(2), 84-97.
- Truong, H. Q. T. (2011). High School Career Education: Policy and Practice. *Canadian Journal of Educational Administration and Policy*, 12(3), 45-59.
- Watts, A. G. (2010). Career guidance and post-secondary vocational education and training. *A paper prepared for the OECD review of postsecondary vocational education and training, skills beyond school*.
- Welde, A. M., Bernes, K. B., Gunn, T. M., & Ross, S. A. (2016). Career education at the elementary school level: Student and intern teacher perspectives. *Journal of Career Development*, 43(5), 426-446.